آرمان ملی
armanmeli.ir
سال پنجم
شماره ۱۷۱۵
شنبه
۱۸ • ۰۹ • ۱۴۰۲
۲۵ جمادی‌الاول ۱۴۴۵ / ۰۹ دسامبر ۲۰۲۳

فراسو

حملات بیولوژیک را چقدر باید جدی گرفت؟

نادانستن و ناامنی عناصر اصلی ترس هستند و هرچه بیشتر در مورد یک رویداد تروریستی خاص بدانیم، احتمال ترس کمتر خواهد بود و احتمال دارد تا راهکار سازنده‌تری را بیابیم. در مقابل، یک تروریست کارآمد می‌داند که چگونه اقدامات تروریستی خود را برنامه‌ریزی کرده و تاثیرگذاری آن را به حداکثر برساند. برای مثال بنابر اعتقاد بسیاری از کارشناسان، حمله ۱۱ سپتامبر به مرکز تجارت جهانی نیویورک، یک عمل تروریستی بسیار کارآمد بود. نکته مهم این است که رویداد ۱۱ سپتامبر ترس بیشتری را پس از خود ایجاد کرد و نشان داد که جوامع در برابر حملاتی با این ماهیت آسیب‌پذیرند و شهروندان پس از این تجربه، ترسی هولناک‌تر از ترس‌های پیشین را آزموده‌اند. از نگاه بسیاری، هیچ چیز ترسناک‌تر و هولناک‌تر از این نیست که هنگامی که شما بیرون می‌روید ممکن است با یک عامل بیماری‌زا (پاتوژن) خطرناک مواجه شوید که می‌تواند منتهی به یک بیماری خطرناک شده و نهایتا مرگ را به ارمغان آورد. با این حال و در ارتباط با موضوع تروریسم که از آن یاد شد باید گفت حداقل تا به امروز، عوامل بیوتروریسم تاثیر نسبتا اندکی در زندگی میلیاردها نفر داشته‌اند. از نظر توان کشتار، تنها ۱۰ درصد از تمام مرگ‌ها ناشی از بیماری‌های مسری بوده است؛ یا به صورت مستقیم یا به صورت غیرمستقیم. در جهان هشت میلیاردی با ۶ میلیارد نفر جمعیت که امید به زندگی‌شان ۶۰ سال برآورد می‌شود، نزدیک به ۱۰ میلیون تن سالانه بر اثر بیماری‌های واگیر از بین می‌روند. بر اساس آمارهای ارائه شده از سوی سازمان جهانی بهداشت در سال ۲۰۱۵، حدود ۵۶.۴ میلیون نفر در سراسر دنیا جان باختند که ۵۴ درصد مربوط به ۱۰ عامل اصلی مرگ و میر بوده است. برخی از بیماری‌های قلبی-عروقی صدرنشین این لیست معرفی شدند. ۹ عامل اول متعلق به مرگ بر اثر بیماری‌های گوناگون بوده و عامل دهم به سوانح جاده‌ای تعلق داشته است. در حال حاضر سه عامل ایدز، سل و مالاریا به ترتیب سالانه ۳ میلیون، ۲ میلیون و ۱ میلیون نفر را به کام مرگ می‌کشانند. لازم به ذکر است هیچ یک از این عوامل، عامل بیوتروریسم محسوب نمی‌شوند و بزرگ‌ترین رویدادهای بیوتروریستی به صورتی قابل اثبات نتوانسته‌اند کشتاری چندهزار نفری به راه بیندازند. یکی از عواملی که باعث می‌شود ایدز، سل و مالاریا عامل بیوتروریستی حساب نشوند این است که عملکردشان چندین ماه زمان می‌برد و گاهی اوقات احساس شدن آن چند سال به طول می‌انجامد. پس این زمان است که یکی از عوامل مهم بیوتروریسم باید به شمار آورد.

مجادلات بر سر جهانی‌شدن و بیوتروریسم

با وجود آنچه بیان شد، احتمال یک حمله بیوتروریستی به صورت مستقیم به جهانی شدن، تروریسم و بیوتکنولوژی ارتباط دارد. در نتیجه این روابط، جهانی پیش روی ما قرار می‌گیرد که در آن تمام نشانه‌ها چه به صورت مجزا و چه به صورت جمعی، به ظرفیت فزونی یافته‌ای اشاره دارند که تروریست‌ها توانایی آن را کسب کرده‌اند تا به منظور پشتیبانی از اهداف خود تسلیحات بیولوژیکی تولید کرده و از آنها استفاده کنند. بدون شک آثار و مباحث فراوانی که در باب این موضوعات مطرح شده در نهایت توافق جهانی اندکی را در باب آنچه در آینده پیش روی ما قرار می‌گیرد، به دست داده است. برخی جهانی شدن را غیرقابل اجتناب تلقی کرده و آن را مزیتی برای بشریت می‌دانند. برخی دیگر جهانی شدن یا حداقل بخش‌هایی از آن را پیشرانی منفی می‌دانند. طیفی دیگر بر این باورند که باید از جهانی شدن به عنوان یک برآیند جهانی احتمالی عقب‌نشینی و از این طریق معضلات ناشی از جهانِ جهانی شده را در کشورها، جوامع و فرهنگ‌های خویش، کنترل کنند. بیوتکنولوژی غالبا به مثابه عاملی تلقی می‌شود که کیفیت زندگی را در جهان بهبود بخشیده است، اما با همه این احوال معضلات و مشکلاتی را به وجود می‌آورد که کارشناسان بسیاری در باب آن‌ها گزارش داده و نگرانی‌های زیادی را ابراز کرده‌اند. متخصصان پزشکی از یک سو به دنبال پیشرفت بیوتکنولوژی هستند تا به بشریت خدمت کنند و از سوی دیگر کسانی بر این باورند که این پیشرفت‌ها خطراتی را دوچندان می‌کند که باید کنترل شوند؛ تنش میان این دو گروه بسیار جدی و قابل توجه است. با این حال حتی کسانی که از تکثیر کنترل شدن این ظرفیت‌ها حمایت و پشتیبانی می‌کنند، به همان اندازه، نگران چالش‌های مرتبط با چنین موضعی هستند. آینده برای حوزه پژوهشی که سالانه به میزان ۴۰۰ درصد افزایش ظرفیت پیدا می‌کند، به چه نحو خواهد بود؟ آیا این نرخ رشد ادامه خواهد داشت؟ آیا این سرعت افزایش خواهد یافت؟ در مورد حوزه جدیدی همچون نانوبیوتکنولوژی چه باید گفت؟ در پرداختن به بیوتروریسم، فقدان شفافیت مشابهی را نیز شاهد هستیم. بسیاری از نشانه‌ها در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند و این موضوع را به یکی از دشوارترین چالش‌های امنیت ملی تبدیل می‌سازند که در حال حاضر بشریت با آن مواجه است.

سید جلال ساداتیان در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

اسرائیل به دنبال بازکردن پای ایران به جنگ است

- چهره خاورمیانه تغییر کرده است
- آمریکا و اروپا خواستار گسترش جنگ در منطقه نیستند
- وحشی‌گری اسرائیل، متحدان تلاویو را وادار به موضع‌گیری کرده است

آرمان ملی - احسان اسقایی: نبرد غزه در شرایطی آغاز شد که اعراب و اسرائیل در آستانه یک توافق تاریخی برای آغاز روابط دیپلماتیک بودند. آغاز این روابط از واشنگتن هدایت می‌شد. حتی شایعاتی در مورد دیدارها بین مقامات اسرائیل و عربستان با پا درمیانی مقامات آمریکایی‌ها شنیده شد، اما طرفین عادی‌سازی روابط اعراب و اسرائیل این مورد را در نظر نگرفتند که مقاومت در عراق، یمن، غزه، لبنان و سوریه به شدت با این اقدام مخالفند و در آماده‌باش کامل برای آغاز یک عملیات سخت علیه اسرائیل به سر می‌برند، به طوری که شاهد بودیم در جواب به اجرای طرح آبراهام و آمادگی وزیر امور خارجه آمریکا برای یک قرائت یک بیانیه در این ارتباط از غزه طوفانی برخاست که هرچند تلفات زیادی داشت و غزه با آسیب‌های زیادی بعد از آن روبه‌رو شد اما کمترین اثر طوفان این بود که اجرای طرح آبراهام در سطح عربستان و اسرائیل به حاشیه رفته و با تاخیر روبه‌رو شده است. آرمان ملی برای بررسی شرایط در غزه بعد از وقایع اخیر در این باریکه با سیدجلال ساداتیان، سفیر سابق ایران در لندن به گفت‌وگو پرداخته است که در ادامه می‌خوانید.

پس از طوفان‌الاقصی اولویت‌های منطقه از جمله مسائل امنیتی - سیاسی دچار چه تحولاتی شد؟ به عبارت بهتر آیا طوفان تنها به معادلات در غزه و بین اسرائیل و فلسطین اثر می‌گذارد یا اینکه عمیق این طوفان مسائلی را در منطقه را هم دچار تحول می‌کند؟

با جنگی که حماس علیه اسرائیل شروع کرد چهره خاورمیانه از هم اکنون تغییر کرده است و در آینده نیز شاهد تغییرات دیگری خواهیم بود که بر گرفته از تحولات در غزه است. حماس، جهاد اسلامی و سایر گروه‌های شهر غزه بیشتر حالت دفاعی داشتند، اما از ۷ اکتبر که طوفان وزید، تهاجمی را از سوی مقاومت در غزه شاهد بودیم که چهره و هیمنه و وضعیتی که اسرائیل از خود با تبلیغات عظیم در برابر فلسطین و حتی جهان اسلام به وجود آورده بود را در هم شکست. اسرائیل از خود یک قدرت امنیتی به تصویر کشیده بود که بر همه تحولات در فلسطین و غزه تسلط دارد و دارای قدرت دفاعی در بالاترین سطح است که با توسل به سامانه گنبد آهنین به وجود آورده. به عبارت بهتر اسرائیل از چنان قدرت و مشت آهنینی برخوردار شده بود که هیچ گروهی نتوانسته امنیت آن را به خطر بیندازد و در گذشته هم چند کشور اسلامی از جمله مصر، اردن و... علیه اسرائیل جنگی را آغاز کردند، نتوانستند کاری را برای مقابله اسرائیل انجام دهند و اسرائیل در دنیای امروز نیز این قدرت خود را به کشورهای عربی از جمله امارت، بحرین و حتی عربستان به گونه‌ای فروخته بود که آنها هم باور کردند که این اسرائیل تنها قدرت مطلق نظامی و امنیتی منطقه است، اما طوفان الاقصی در ۷ اکتبر تمامی این ذهنیت سازی‌های اسرائیل را در ذهن اعراب منطقه فروریخت و دیگر اسرائیل بعد از طوفان الاقصی اسرائیل با جایگاه قبلی نیست.

به لحاظ رسانه‌ای این قدرت امنیتی برای اسرائیل به وجود آمده بود یا اینکه واقعا آنها اسرائیل را با این عنوان پذیرفته بودند؟

مساله فراتر از این موضوع بود. قدرت نمایی اسرائیل حتی موجب شد قراردادهای بلند مدتی از سوی اسرائیل با اعراب منطقه منعقد شود تا تل‌آویو برای کشورهای عربی سامانه‌های دفاعی مشابه گنبد آهنین ایجاد کند و این مورد در معنای پذیرش قدرت امنیتی اسرائیل بود، اما همین کشورها یک شبه مشاهده کردند عده‌ای پاراگرایدر سوار از مرزهای غزه و گنبد آهنین عبور کردند و به شهرک‌های پیرامونی غزه در فلسطین نفوذ کردند و به قول کنسول سابق مصر در اسرائیل، حماس چند محور امنیتی و نظامی اسرائیل را نشانه گرفته بودند و از ابتدای طوفان و تا ساعت یازده و سی دقیقه ظهر به تمام اهدافشان دست یافتند. این مورد در دیگاه اعراب نسبت به اسرائیل و قدرت امنیتی تلاویو به شدت تاثیر گذاشته است.

بیشتر در مورد این اهداف که حماس به آن دست یافته است آن هم در چند ساعت ابتدای جنگ توضیح می‌دهید؟

آنها به دنبال آن بودند که تعدادی از مقامات و افسران امنیتی اسرائیل را اسیر کنند و به اسناد و مدارکی دست یابند. مدارکی که به نظر می‌رسد از نوار غزه حتی به لبنان انتقال داده شده است. در نتیجه آقای نتانیاهو به شدت دچار مشکلات جدی شده است که ادامه جنگ شاید یکی از روش‌های او برای فرار کردن از این مشکلات در آینده نزدیک باشد.

آیا آنگونه که اعلام می‌شود که این جنگ برای نتانیاهو نعمت بوده چرا که نتانیاهو با بحران‌های عظیمی روبه‌رو بوده که این جنگ سرپوشی بر آن شده، درست است؟

البته که نتانیاهو با بحران‌های عظیمی روبه‌رو بود و گروه‌های دیگر در تلاویو چالش‌های متعددی برای او به وجود می‌آوردند و این جنگ باعث شد که نتانیاهو با آنها ائتلاف‌های را تشکیل دهد و حتی برخی از وزرا و نخست وزیران سابق به کابینه نتانیاهو دعوت شدند و کابینه جنگی در اسرائیل تشکیل شد، به طوری که اسرائیل به سمت یک وحشی‌گری عریان علیه حماس و مردم غزه و کرانه باختری حرکت کرد، اما همین مورد باعث توجه نگاه‌های حقوق بشری و ضد جنگ علیه نتانیاهو شد. به طوری که سخنگوی‌های حقوق بشری سازمان ملل و اروپا اعلام کردند که بیش از ده‌ها هزار نفر در غزه کشته و زخمی شده‌اند که بالای ۸ هزار نفر آن کودک و ۶ هزار نفر زنان هستند. حدود ۴۰ درصد خانه‌ها در غزه خراب شدند و این وضعیت خشونت بار باعث شد دنیا و حتی مراکز علمی جهان علیه اسرائیل تظاهرات به پاکنند. در نتیجه مردم در نیویورک و لندن علیه اسرائیل به خیابان آمدند و الجزایر و حتی ترکیه و پاکستان هم علیه اسرائیل موضع گیری کردند و در نهایت قطعنامه‌هایی در شورای امنیت که در ابتدا به تصویب نمی‌رسید آن هم به علت وتوی غربی‌ها، در مجمع عمومی قطعنامه‌ای علیه اسرائیل به تصویب رسید و دبیرکل این سازمان علیه اسرائیل موضع گیری کرد و به علت مسائل حقوق بشری فشارهای خود علیه اسرائیل را ادامه داد.

در نتیجه تعدادی از سیاستمداران دنیا که در ابتدا کاملا اعلام کردند که اسرائیل حق دفاع از خود دارد، تردیدها در نظرات خود کردند و نسبت به رفتارهای وحشی‌گرانه اسرائیل اعتراض کرده و برخی نیز سکوت کردند و فضا برای اینکه آتش بس از ناحیه اسرائیل مورد پذیرش قرار گیرد آماده شد. به عبارت بهتر در روزهای اولیه نتانیاهو از نبرد حماس علیه خود استفاده داخلی کرد، اما اکنون بسیاری از متحدانش را به علت رفتارهای وحشی‌گرانه در غزه عملا در کنار خود ندارد.

تلاویو نقشه‌هایی را علیه غزه در نظر داشت این نقشه‌ها چه بود و تا چه مقدار اجرایی شد؟

اسرائیل ابتدا قصد داشت عملا مسلمانان غزه را از سرزمین خود کوچ دهد و به مصر و اردن بفرستند تا با این کار عملا اسرائیل با حماس برخورد کند و کار جهاد اسلامی را تمام نماید اما ظاهرا اسرائیل دستاوردی در این زمینه به دست نیاورد. خصوصا فکر می‌کرد که تبادل زندانیان به گونه‌ای که او می‌خواهد پیش می‌رود و در چند روزه آتش بس افراد نظامی و امنیتی خود را از حماس پس می‌گیرد که نشد و فقط تعدادی نظامی که تاثیری در امور امنیتی و نظامی نداشتند را تبادل کردند. در نتیجه نتانیاهو به جنگ باز گشت و چند هزار فردی را مجددا در غزه کشته و زخمی کردند و فشارهای خود بر غزه را افزودند.

حالت جنگی اسرائیل علیه غزه تا کجا پیش می‌رود آیا آتش بس در غزه در دسترس است؟

برخی معتقدند حالت کنونی در غزه ادامه خواهد یافت. البته اسرائیل برای زخم زدن به حماس در این زمینه حتی به مردم غزه هم رحم نخواهد کرد و تلاش دارد که اینگونه در رسانه‌ها جا بیندازد که حماس تحت پوشش انسانی قرار گرفته است و قصد دارد که تونل‌هایی که حماس از آنها استفاده می‌کند را تخریب کند. و رسما اعلام می‌کند بمباران غزه برای تخریب تونل هاست حال اینکه مسلم است که اسرائیل دروغ می‌گوید و بیشتر در اندیشه فشار بر مردم مظلوم غزه است و مردم بی‌گناه را تحت فشار قرار می‌دهد که آنها غزه را ترک کنند. اسرائیل به اهداف مد نظر خود دست نیافته است.

برخورد غربی‌ها در برابر سیاست‌های اسرائیل را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

غربی‌ها با کمال تاسف در برابر اسرائیل دوگانه رفتار می‌کنند کما اینکه بلینکن، وزیر مور خارجه آمریکا هم اعلام کرده که حماس نمی‌تواند کنترل غزه را در دست داشته باشد و معنای این حرف آن است که اسرائیل مجاز است به عملیات خود در غزه ادامه دهد تا به اهدافش دست یابد.

> **برخی معتقدند حالت کنونی در غزه ادامه خواهد یافت. البته اسرائیل برای زخم زدن به حماس در این زمینه حتی به مردم غزه هم رحم نخواهد کرد و تلاش دارد که اینگونه در رسانه‌ها جا بیندازد که حماس تحت پوشش انسانی قرار گرفته است و قصد دارد که تونل‌هایی که حماس از آنها استفاده می‌کند را تخریب کند و رسما اعلام می‌کند بمباران غزه برای تخریب تونل هاست حال اینکه مسلم است که اسرائیل دروغ می‌گوید و بیشتر در اندیشه فشار بر مردم مظلوم غزه است و مردم بی‌گناه را تحت فشار قرار می‌دهد که آنها غزه را ترک کنند. اسرائیل به اهداف مدنظر خود دست نیافته است**

بعضا شنیده می‌شود اسرائیل جنگ چند ساله دائمی علیه حماس را در نظر دارد آیا ادامه این جنگ با شرایط داخلی اسرائیل امکان پذیر است؟

نتانیاهو که شخصا از گذشته با چالش‌های مختلفی روبه‌رو بود. اخیرا هم که اعلام شده احتمال دارد که وی به علت اتهاماتی در همین شرایط جنگی به دادگاه کشیده شود. از سوی دیگر خانواده‌های اسرائیلی که اسیرانی در غزه دارند نیز در حال ایجاد شرایط اعتراضی علیه نتانیاهو به علت عدم توانایی در باز گرداندن شهروندانشان از غزه هستند که این مورد فشار روانی بیشتری را بر نخست وزیر کنونی اسرائیل می‌افزاید. حال باید دید این فضا باعث خواهد شد که اسرائیل به سرسختی خود در غزه ادامه دهد و تنها از طریق جنگ به دنبال رسیدن به اهداف خود در غزه باشد یا خیر؟ این موارد همه جای تردید دارد و شرایط داخلی اسرائیل و افکار عمومی بین‌المللی و مقاومت‌هایی که حماس و جهاد اسلامی و دیگر گروه‌ها انجام می‌دهند بر نیت اسرائیل اثر خواهد گذاشت.

پس می‌توان به نوعی با شرایط کنونی پیش بینی کرد که احتمالا اسرائیل نمی‌تواند تئوری خود در مورد ادامه دار کردن جنگ علیه حماس را همیشگی کند؟

با وضعیتی که توصیف شد، بعید است که اسرائیل بتواند جنگ را برای سال‌های طولانی علیه غزه و حماس ادامه دهد، چراکه دوگانه برخورد کردن غربی‌ها آنها را زیر سوال می‌برد. ضمن اینکه از نظر داخلی آمریکا در حال حرکت به سمت فضای انتخاباتی است و افکار عمومی داخل آمریکا متاثر از این وضعیت است. البته آمریکایی‌ها تلاش دارند در افکار عمومی خود هشدارها و تذکراتی را به اسرائیل جا بیندازند که نباید بیش از این وضعیت را ادامه دهد. این مورد البته باعث ایجاد نوعی چالش برای آمریکایی‌ها خواهد شد. از سویی متعهد هستند نظر آیپک را جلب کنند و از سوی دیگر جبهه‌هایی که در داخل آمریکا علیه فلسطین در حال فعال شدن هستند را در برابر خود دارند و در نتیجه دچار نوعی سردرگمی شدند. این وضعیت اجازه نمی‌دهد که شرایطی که اسرائیل در حال تحمیل کردن آن است و به دنبال آن است که پای ایران را هم به این قضیه باز کند، قابل ادامه دادن نیست.

چقدر امکان دارد پای ایران به این قضیه باز شود؟

امروز تحت تاثیر لابی آیپک برخی مقامات آمریکا و اسرائیل اعلام می‌کنند که باید به ایران حمله کرد اما هم آمریکا و هم اسرائیل می‌دانند که وضعیت جنگی برای کشاندن پای ایران به جنگ قابل دوام نیست و نه تنها وضعیت داخلی اسرائیل اجازه ادامه آن را نمی‌دهد بلکه آنچه اسرائیل به دنبال ان است و آن اینکه پای ایران را به جنگ بکشانند عملا میسر نیست و آمریکایی‌ها نمی‌خواهند که جنگ گسترش یابد به عبارت بهتر در موقعیت کنونی نه آمریکایی‌ها و نه اروپایی‌ها خواهان افزایش تنش و ادامه وضعیت کنونی نیستند. حال اینکه چه زمانی جلوی ادامه جنگ گرفته خواهد شد یا نه بستگی به تلاش‌های کشورهای مختلف از جمله تلاش‌های قطر دارد.

گزارش

رئیس موسسه دین و اقتصاد مطرح کرد:

ارتقای بنیه تولید فناورانه

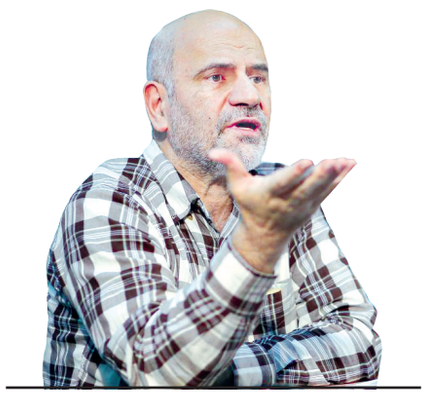

یک استاد اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی که در نشست «بررسی گسست میان برنامه آمایش سرزمین و برنامه توسعه صنعتی در ایران» سخن می‌گفت، ضعف‌های ایران در برنامه‌ریزی توسعه را به دلیل غربت اندیشه توسعه در کشور دانست که بحران‌ها و گرفتاری‌هایی را ایجاد کرده و تصریح کرد: در چارچوب مناسبات رانتی، به نام توسعه، آدرس‌های دیگری داده می‌شود و آنها بیشتر در اولویت قرار می‌گیرند تا الزامات اصلی توسعه. وقتی همه بحران‌ها را ریشه‌یابی می‌کنیم، به همان نتیجه‌ای می‌رسید که در همه دنیا رسیده‌اند؛ اینکه اساس تفاوت یابی کشورهای دنیا، به تفاوت در بنیه تولید فناورانه آنها برمی‌گردد و اگر ما محور و مدار توسعه را ارتقا بنیه تولید فناورانه نگیریم، همه چیز به هم می‌ریزد. فرشاد مؤمنی گفت: از پیشاتاریخ، تا ربع پایانی قرن هجدهم، در یک دوره چندهزارساله، بنیه تولید بشر سه برابر شد. اما در ۲۰۰ ساله میان ربع پایانی قرن ۱۸ تا ربع پایانی قرن ۲۰، بنیه تولید بشر ۱۷۲۰برابر شده است. یعنی تقریبا در یک دوره ۲۰۰ ساله، توان تولیدی بشر نزدیک به ۶۰۰ برابر یک دوره چندین هزار ساله بوده است. کلید اصلی برای نجات این است که همه چیز را بر محور و معیار تولید فناورانه نگاه کنیم و بعد سراغ لوازمی برویم که تولید فناورانه را ریشه‌دار می‌کند. می‌گویند آدرس صحیح توسعه اینجاست. به اعتبار ملاحظات رانتی موجود، آدرس‌های اغواگری مطرح می‌شود. وی افزود: اما در سرزمین ما، دائما به اعتبار ملاحظات رآنتی‌موجود، آدرس‌های اغواگری مطرح می‌شود که اذهان را از سمت ارتقای بنیه تولید فناورانه و لوازم آن، به چیزهای دیگری معطوف می‌کند. نتیجه این شده که ما به جای جدی گرفتن توسعه بر محور ارتقای بنیه تولید فناورانه، کارهای شگفت‌انگیز و غیرمتعارفی انجام می‌دهیم که آنها را فقط در یک کادر مناسبات رآنتی‌می‌توان درک کرد. این اقتصاددان ضمن تشریح دیدگاه‌های «فردریک لیست»، مبنی بر اینکه اگر اعتلای فرهنگی و یا توان جنگی می‌خواهید، تنها از طریق تولید فناورانه اتفاق می‌افتد، گفت: «رونالد اینگلهارت» که جزء برجسته‌ترین متخصصان فرهنگ و توسعه است، در مطالعه تاریخ چندهزار ساله می‌گوید که جلوه‌های متعالی فرهنگ و اخلاق در جوامع انسانی در بالاترین سطح؛ بدون استثنا، پس از حصول سطوحی از امنیت اقتصادی پدیدار می‌شود. اگر در مملکت ما گوشی برای شنیدن و چشمی برای دیدن داشته باشد باید توجه کنند که او می‌گوید: اگر دغدغه فرهنگ دارید، با تقویت رآنتی‌و دوپینگی موسسه‌های موعظه‌ای نمی‌توان آن را محقق کرد، باید امنیت اقتصادی ایجاد کنید، آن هم از این طریق که فناوری را در مسیر ارتقای بنیه تولیدی به کار بگیرید. دکتر مومنی ادامه داد: عزیزان سیاستگذارانی می‌کنند، ما حمل بر صحت می‌کنیم و می‌گوییم دلشان برای کشور می‌سوزد و از این قبیل، اما مثلا وقتی می‌خواهند ازدواج را تشویق کنند مرتب رقم وام را بالا می‌برند!

شما خودتان اسم آن را «وام» گذاشته‌اید، یعنی آن کسی که می‌گیرد، باید برگرداند! همه هم و غمشان را روی این گذاشته‌اند، اما راجع به اشتغال مولد فناورانه، غفلت می‌کنند! چندین بار در نهایت مهر و شفقت به این عزیزان گفته‌ام آن زمانکه مردم می‌توانستند امورات خود را با تکیه بر شغل‌های سالم اداره کنند، اصلا نیاز به رهنمود و توصیه و این وام‌ها نداشتند!

ببینید سن ازدواج در سال‌های جنگ چقدر بوده و بعدا به کجا رسیده است! شما چون به تولید فناورانه پشت کرده‌اید و راه را برای فرصت‌طلبی‌های رانتی باز کرده‌اید، معیشت را بر مردم تنگ کردید! شما باید آن را حل و فصل کنید.

راه نجاتی جزء محور قراردادن ارتقای بنیه تولید فناورانه نیست.

فرشاد مومنی با تاکید بر اینکه هیچ راه نجاتی برای ما جزء محور قراردادن ارتقای بنیه تولید فناورانه وجود ندارد، اظهار داشت: حیاتی‌ترین مساله توسعه در ساده‌ترین عبارت این است که ما باید بتوانیم منافع فردی را با منافع جمعی، همراستا کنیم و این کار با تولید فناورانه به دست می‌آید. صنعت و کشاورزی، هر دو مولد و مکمل هم هستند و هر دو اینها، رقیب اغواگر و قدرتمندی به نام «رانتجویان» دارند. وی با انتقاد از دیدگاه‌هایی که «رشد اقتصادی» را شاقولی برای توسعه مطرح و بعد آن را تبدیل به بُت می‌کنند، اضافه کرد: آنها با این الگوی توسعه تقلیدی و ترجمه‌ای به نام رشد محوری، صرف نظر از کیفیت و منابع رشد، خود رشد را تقدیس کردند. رئیس موسسه مطالعات دین و اقتصاد، با اشاره به تعریف ابن خلدون از صنعت و پرداختن به اینکه صنعت خردمندی، به معنای قدرت تشخیص خوب از بد، ایجاد می‌کند، اظهار کرد: چون اصل توسعه و اصل تولید فناورانه به اعتبار مناسبات رآنتی‌در حاشیه قرار گرفته، ما حتی در برقرار کردن رابطه مفهومی با یکدیگر نیز غفلت می‌کنیم. اگر در ایران؛ زمانی زورِ مولدها و دانایان از زور رانتی‌ها و غیرمولدها بیشتر شود، خواهید دید فرهنگ چه زایشی پیدا می‌کند و چه مفاهیم عمق یافته‌تری در زبان فارسی جاری خواهد شد. اینکه از همه اصحاب خرد و دانایی در همه عرصه‌های تخصصی علوم انسانی و اجتماعی استمداد می‌کنم که به داد اقتصاد ایران برسند و راه را بر آدرس‌های رانتی و فرصت‌طلبانه و سد کنند.